

فرخنده باد هفتاد و پنجمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران!

ویژه سالگرد تاسیس حزب

کارگران بر کشور متحد شوید!



شماره 25، 7 مهر ماه 1395

هفتادوپنج سال مبارزه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران در راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و صلح علیه ارتجاع و امپریالیسم در کشور ما

تشکیل حزب کمونیست ایران در اوایل تیرماه 1300 و سپس حزب توده ایران در 10 مهر ماه 1320، صد سال مبارزات حزب طبقه کارگر در راه آزادی، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی در میهن ما، تاریخی درخشان از مبارزات پیروان سوسیالیسم علمی در کشور کهن سال ما است.

باید گفت که در این راه نبرد مبارزان توده‌ای در دوران تاریخ 75 ساله مبارزات حزب توده ایران درخشان‌ترین مبارزات پیروان سوسیالیسم علمی در میهن ما طی این دوران طولانی است.

حزب توده ایران طی دوران کوتاه مدت فعالیت علنی خود در کشور به سبب اعتقاد راسخ به آزادی و دموکراسی و استقلال واقعی سیاسی و اقتصادی ایران و تامین منافع توده‌های زحمتکش جامعه و سمت‌گیری انترناسیونالیستی هم از رژیم دست‌نشانده و خائن شاه و هم از رژیم منفور و جابر مذهبی "ولایت فقیه" آسیب زیادی متحمل شد، ولی علیرغم ضربات شدیدی که پس از یورش سبعانه رژیم مذهبی "ولایت فقیه" به رهبری خمینی به حزب ما وارد شده، حزب ما در شرایط ترور و اختناق بر کشور و سلطه حاکمیت روحانیون و کلان سرمایه‌داران بازار و بزرگ زمین‌داران و سپاه پاسداران و ارگان‌های سرکوبگر و جاسوسی رژیم بر کشور به مبارزه خود در راه تحقق آزادی و دموکراسی و طرد استبداد مذهبی ادامه می‌دهد.

در شرایطی که اعمال فشار از طرف امپریالیسم آمریکا از راه ادامه تحریم اقتصادی و مالی علیه رژیم که اینک به صورت تحریم صنایع نظامی و افراد و شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران و موشک‌پرانی آنها و بویژه جلوگیری از کمک مالی و تسلیحاتی به "حزب الله" لبنان در جریان است. رژیم حاکم به چنان بن‌بستی رسیده که امکان خروج از بن‌بست موجود را ندارد. ناگفته پدا است که روحانیون حاکم بدون سپاه پاسداران و ارگان‌های سرکوبگر که تکیه‌گاه اصلی رژیم را تشکیل می‌دهد، قادر به ادامه حکمروایی نیست. در این میان جبهه متحد نیروهای وابسته و غارتگر اصلاح‌طلب و کارگزار در جناح اعتدال به سرکردگی رفسنجانی نیز قادر به پایان بخشیدن به تسلط غارتگرانه و

مافیائی سپاه پاسداران که شریان‌های اقتصادی کشور را قبضه کرده و دسترنج زحمتکشان و ثروت ملی ما را چپاول می‌کنند نخواهد بود. زیرا سپاه پاسداران به عنوان بازوی مسلح رژیم یک قدرت و در واقع دولتی در درون دولت است.

در حالی که هر اقدامی در زمینه اجراء تحریم‌های مورد نظر آمریکا مستلزم موافقت از جانب "ولی فقیه" رژیم می‌باشد. بنابراین در صورت عدم پذیرش این تحریم‌ها از جانب خامنه‌ای تحریم‌های اقتصادی و مالی ادامه می‌یابد.

طبیعی است که این وضع نمی‌تواند ادامه داشته باشد. سرانجام می‌باید سمت‌گیری سیاسی رژیم نسبت به سیاست خاورمیانه‌ای و خواسته‌های آمریکا و همدستانش در ایران را تعیین کرد.

در لحظه کنونی مبارزه برای تعیین سمت‌گیری میان دو گرایش در حاکمیت کنونی کشور هر روز شدیدتر می‌شود. این مبارزه در حاکمیت، بطور عمده بر سر برقراری مناسبات با آمریکا در جهت همکاری و نیز پیروی از سیاست آمریکا در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس جریان دارد. از یکسو گرایش جبهه متحد نیروهای اصلاح‌طلب- کارگزار در جناح اعتدال در خط همکاری با امپریالیسم آمریکا قرار دارد و هوادار آمریکا هستند و در جهت دیگر گرایش ارتجاعی روحانیون حاکم و قشر سرمایه‌داری تجاری بازار و سپاه و مذهب‌یون قشری و گروه‌های مذهبی موثلفه و جناح رسالت مدافع روحانیت حاکم و نیز سیاست "صدور انقلاب اسلامی" با موضع‌گیری علیه اسرائیل و عربستان سعودی از نیروها و گروه‌های مذهبی شیعه در لبنان، عراق، بحرین، یمن و افغانستان و پاکستان حمایت می‌کنند و در خط "عدم اعتماد" به آمریکا قرار دارند. اکنون رژیم حاکم دچار چنین بحرانی شده است و راه برون رفت از آن را ندارد. با اینکه در داخل حاکمیت وضع چنین است. اما ضعف عامل ذهنی، و عدم جبهه‌ای از نیروهای مردمی موجب آن گردیده که جنبش ضد رژیم به علت سازمان نیافتگی در وضع نامطلوبی قرار گیرد. در شرایط کنونی تلاش برای اتحاد نیروهای مردمی را باید ده چندان کرد و خرابکاری آنهایی که می‌کوشند اتحاد عمل نیروهای مردمی را غیرمقدور سازند خنثی کرد.

در بحرانی که رژیم را از همه طرف فراگرفته است و در پیامد سیاست ماجراجویانه هسته‌ای، رژیم حاکم با فروریزی ناشی از بحران اقتصادی و مالی روبرو گردیده است. گسترش فعالیت سیاسی و سازمانی حزب برای تشکل توده‌های زحمتکش و در درجه اول طبقه کارگر در راس مبارزه قرار دارد. برای دستیابی به این هدف، تشکل مبارزان توده‌ای در هسته‌های مخفی و مراعات اصول چهارگانه عدم تمرکز سازمانی، ترجیح کیفیت بر کمیت، تلفیق کار علنی و مخفی و حفظ اسرار حزبی با رعایت اکید موازین پنهانکاری ضرورت حاد دارد.

در چنین شرایطی مبارزان توده‌ای مسئولیت تاریخی خود را احساس می‌کنند و وظایف خود را با شهامت انجام خواهند داد.

ما به مناسبت هفتادوپنجمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران به همه رفقا و هواداران و دوستان حزب شادباش می‌گوئیم و برای مردم میهن‌مان کامیابی در پیشبرد مبارزه در راه دستیابی به آزادی و دموکراسی و طرد استبداد مذهبی "ولایت فقیه" را آرزو مندیم.

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی بر انداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.

تحریف نظر لنین در نشریه غصب شده "نامه مردم"

با این کار نقاب از چهره گردانندگان نشریه "نامه مردم" برداشته شد.

در نشریه "نامه مردم" شماره 990 مورخ 21 دی 1394 نوشته تحریف‌آمیز تحت عنوان "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" که به دروغ به نام لنین نسبت می‌دهد منتشر شده است.

نویسنده این نوشته با شیوه توسل به عبارت‌پردازی مهمل برای اثبات ادعای خود به راه قیاس می‌رود و می‌نویسد:

"تاکید لنین در دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک بر ضرورت ایجاد اتحادهای تاکتیکی (و گاه موقتی) میان نیروهای است که منافع مشترکی در گذر از دیکتاتوری به دموکراسی دارند. لنین با شکستن فرآیند اتحادها، گسست‌ها، سازش‌ها و تعرض‌ها در کنگره حزب سوسیال دموکرات روسیه، برنامه انقلاب و مرحله‌های آن را تدوین و ارائه کرد. لنین در ادامه آن برنامه موضوع شرکت کردن حزب سوسیال دموکرات روسیه در انقلاب بورژوا-دموکراتیک و اهمیت اتحادهای سیاسی در هر مرحله مشخص و معین روند تحول انقلابی را از موضع نیروی اپوزیسیون انقلابی مورد توجه قرار می‌دهد. شیوه تحلیل و ارزیابی لنین درباره شناخت مرحله مشخص رشد سرمایه‌داری و تشخیص نیروهای سیاسی درگیر و سمت‌گیری آنها می‌تواند برای تحلیل و درک ساختار سرمایه‌داری و نیروهای سیاسی موجود در شرایط کنونی میهن ما مفید باشد." (نقل از نشریه نامه مردم، شماره 990، ص 1 و 6)

آیا این سطور نقل شده، نظر لنین در کتاب دو تاکتیک سوسیال دموکراسی است؟ البته نه!

نویسنده با این گزافه‌گویی که رابطه‌ای با مضمون کتاب دو تاکتیک سوسیال دموکراسی ندارد. برای پیشبرد ادعایش به این نتیجه می‌رسد که: "لنین بر این مبنا بود که توانست موضوع لزوم اتحاد طبقه کارگر با لایه‌هایی از بورژوازی در ضمن حفظ و تامین استقلال نظری و عملی حزب سیاسی طبقه کارگر را جسورانه مطرح کند.!!" که در حقیقت لنین هرگز چنین مطلبی را در کتاب "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی" بیان نکرده است.

کجای کتاب "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی" لنین بورژوازی را از متحدین طبقه کارگر مطرح می‌کند؟ آخر دروغ گفتن هم حدی دارد... به این می‌گویند یک دروغ بزرگ گویلی¹ که مدافعان بورژوازی در نشریه غصب شده "نامه مردم"² آن را تبلیغ می‌کنند. لنین در کتاب دو تاکتیک سوسیال دموکراسی نمی‌آموزد که طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک با لایه‌هایی از بورژوازی متحد شود بلکه بر عکس می‌آموزد که "موقعیت بورژوازی بعنوان طبقه‌ای در جامعه سرمایه‌داری، ناگزیر موجب ناپیگیری در انقلاب دموکراتیک می‌گردد. موقعیت پرولتاریا، بعنوان یک طبقه، وی را مجبور می‌سازد که دموکرات پیگیر باشد. بورژوازی از ترس پیشرفت و ترقی دموکراسی که خطر افزایش قدرت پرولتاریا را دربردارد، همواره بعقب می‌نگرد. پرولتاریا جز زنجیر خود چیزی ندارد از دست بدهد. ولی بکمک دموکراتیسم تمام جهان را بدست خواهد آورد." (لنین، دو

تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک، انتشارات حزب توده ایران، 1354، ص 48)

لنین در کتاب "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی" درباره ترکیب طبقاتی نیروهای اجتماعی در روسیه می‌گوید: "بورژوازی طرفدار ناپیگیری و خود غرض و جیون انقلاب است. بورژوازی همین که تمایلات خودغرضانه و محدودش برآورده شد و همین که از دموکراتیسم پیگیر "رمید" من حیث المجموع بسوی ضد انقلاب، بسوی حکومت مطلقه روی خواهد آورد و علیه انقلاب و علیه مردم دست به عمل خواهد زد. باقی می‌ماند "مردم" یعنی پرولتاریا و دهقانان: پرولتاریا تنها طبقه‌ای است که قادر است با اطمینان تا هدف نهایی پیش رود. زیرا راهی را که در پیش دارد بمراتب از انقلاب دموکراتیک فراتر می‌رود از این‌روست که پرولتاریا در مبارزه برای جمهوری در نخستین صفوف پیکار می‌کند. (لنین، "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی"، ص 115)

لنین درباره اتحاد کارگران و دهقانان تاکید می‌کند: "پرولتاریا برای پیروزی بر بورژوازی باید توده دهقان را از بورژوازی جدا کرده به سوی خود جلب کند." لنین می‌گوید: "بورژوازی قادر نیست انقلاب دموکراتیک را به پایان برساند ولی دهقانان استعداد این کار را دارند و ما باید با تمام قوای خود در راه حصول این مقصود به آنها کمک کنیم." (لنین، دو تاکتیک سوسیال دموکراسی، ص 117)

آموزش لنین در کتاب دو تاکتیک سوسیال دموکراسی باطل بودن ادعای نویسنده نشریه "نامه مردم" که می‌کوشد از طریق دروغ‌پردازی آشکار تئوری و پراتیک مارکسیسم لنینیسم را جعل و مخدوش کند و ایدئولوژی بورژوایی را تبلیغ کند، آشکار می‌سازد. نویسنده نشریه "نامه مردم" می‌خواهد زیر پوشش نقل قول دروغین از لنین به نوشته خود رنگ تئوریک بزند و به خوانندگان خود تلقین کند که با اسلوب مارکسیستی تحلیل و بررسی، قادر به توضیح و تشریح رویدادهای کشور ما است. ولی گفتار و کردار نویسنده نشریه "نامه مردم" نشانگر آن است که او حتی تصویری از مضمون کتاب "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی" ندارد و به دور از درک سوسیالیسم علمی با سوءنیت تز لنینی ضرورت اتحاد طبقه کارگر و دهقانان تهیدست را جعل و مخدوش می‌کند و اتحاد طبقه کارگر با لایه‌هایی از بورژوازی را تبلیغ می‌نماید تا خیانت سرمایه‌داری ایران به امر توده مردم و جنایت سرمایه‌داری انحصاری در ایران دور از دیده‌ها بماند و یا لاقلاً کم رنگ شود.

ما در قبال تحریف آشکار نظر لنین که نویسنده نشریه "نامه مردم" این چنین بی‌بندوبار آن را تنزل می‌دهد. در بحث از اندیشه و نظر لنین درباره اتحاد کارگران با دهقانان برای پیروزی هرچه پیگیر انقلاب دموکراتیک در اینجا به این اثر درخشان لنین "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی" اشاره کنیم.

آموزش‌های لنین از سال 1897 بر پایه اصول اساسی و انقلابی مارکسیسم و ضرورت ناشی از آغاز دوران نوین در جامعه بشری- دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم- بیانگر نیازهای بنیادی دوران حاضر است. و ای.لنین با تحلیل علمی امپریالیسم و ماهیت انحصاری سرمایه‌داری و سلطه انحصارات، تئوری مارکس درباره انقلاب سوسیالیستی را بطور خلاق رشد و تکامل بیشتر داد و

ضرورت اتحاد طبقه کارگر با قشرهای زحمتکش در جهت سرنگونی حکومت بورژوازی را نشان داد.

اصول عمده تئوری لنینی انقلاب سوسیالیستی و ضد امپریالیستی در بخشی از آثار وی تشریح گردیده است که از جمله مقدم بر همه باید از "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" نام برد.

می‌دانیم مضمون کتاب "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" همان‌طور که از عنوان آن معلومست، دو خط مشی و شیوه‌های فعالیت سیاسی است که بین بلشویک‌ها اکثریت (سوسیال دموکراسی انقلابی) و منشویک‌ها اقلیت (سوسیال دموکراسی راست) وجود داشت. همان‌طور که لنین در پیشگفتار کتاب دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در ژوئیه سال 1905 می‌نویسد، بهترین مدرک در مورد بیان نظرات تاکتیکی، قطعنامه‌های کنگره سوم حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه با شرکت بلشویک‌ها در لندن ماه مه 1905 و کنفرانس قسمت منشعب شده از حزب سوسیال دموکرات با شرکت منشویک‌ها در ژنو در همان تاریخ است. لنین در این اثر سیاست آشتی طبقاتی سوسیال دموکرات‌های منشویک که توده‌ها را نسبت به سوسیالیسم علمی بدبین می‌کردند نشان می‌دهد.

در برابر سیاست آشتی طبقاتی منشویک‌ها، کنگره سوم حزب سوسیال دموکرات روسیه تشکیل می‌شود و سرنگون ساختن حکومت تزاری و شرایط دقیق شرکت سوسیال دموکراسی در حکومت انقلابی (در دوره تحول دموکراتیک و مبارزه در راه جمهوری) را تصویب می‌کند. بر اساس تصویب نمایندگان مسئول پرولتاریای سوسیال دموکرات، قطعنامه کنگره سوم حزب سوسیال دموکرات روسیه وظایف مشخص پرولتاریا سوسیال دموکرات را در انقلاب دموکراتیک تعیین می‌نماید. از جمله در قطعنامه کنگره سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، درباره شرکت سوسیال دموکراسی در حکومت انقلابی و نقش بورژوازی که خواستار سرنگون ساختن حکومت تزاری نیست و نیز تلاش‌های شدید بورژوازی برای اینکه پیروزی‌های دوره انقلاب را از چنگ پرولتاریا خارج سازد گفته می‌شود:

بند ج) شرط لازم چنین شرکتی نظارت شدید حزب بر نمایندگان خود و حفظ مداوم استقلال سوسیال دموکراسی است که انقلاب سوسیالیستی کامل را هدف مساعی خویش قرار داده و بهمین جهت هم دشمن آشتی ناپذیر تمام احزاب بورژوازی است. (دو تاکتیک سوسیال دموکراسی ص 11-12)

بدینسان قطعنامه کنگره سرنگون ساختن حکومت تزاری و لزوم تشکیل حکومت انقلابی موقت و برنامه عمل این حکومت که شامل اجرای تمام برنامه حداقل حزب پرولتاریا یعنی برنامه اصلاحات فوری سیاسی و اقتصادی به منظور حفظ و تحکیم و بسط و توسعه پیروزی‌های انقلاب برای برداشتن گام بعدی بجلو و عملی کردن سوسیالیسم ضرور است، را بحزب توصیه می‌کند. در ماده سوم قطعنامه کنگره گفته می‌شود که: ما، یعنی حزب پرولتاریا، باید این برانداختن را عملی سازیم، برانداختن واقعی فقط استقرار جمهوری دموکراتیک است. این جمهوری را ما باید بدست آوریم و ما برای نیل به آن و آزادی کامل نه تنها با حکومت مطلق بلکه با بورژوازی هم، هنگامی که تلاش خواهد نمود (و حتما خواهد نمود) پیروزی‌های ما را از چنگ ما خارج سازد مبارزه خواهیم کرد. قطعنامه کنگره طبقه معینی را برای هدف فوری

و دقیقاً معین مبارزه دعوت می‌نماید. (دو تاکتیک سوسیال دموکراسی، ص 32)

در آن ایام روش و مواضع سیاسی منشویک‌ها بر پایه عدم باور به نظام سوسیالیستی و عدم تحقق بخشیدن به سوسیالیسم در جامعه روسیه بود. به دنبال کنفرانس سرتاسری منشویک‌ها در قطعنامه کنفرانس منشویکی قفقاز درباره حکومت موقت گفته می‌شود: "کنفرانس با تشکیل حکومت موقت سوسیال دموکراتیک و ورود در آن ابراز مخالفت می‌نماید. تشکیل حکومت موقت سوسیال دموکراتیک با شرکت در آن، از یک طرف نتیجه‌اش اینست که توده‌های وسیع پرولتاریا که از طرف سوسیال دموکرات مایوس خواهند شد از آن جدا می‌گردند زیرا سوسیال دموکراسی با وجود تصرف قدرت نیز مادامی که سوسیالیسم را عملی ننموده است نمی‌تواند نیازمندی‌های حیاتی طبقه کارگر را برآورده نماید و از طرف دیگر این امر طبقات بورژوازی را از انقلاب رم می‌دهد و بدینوسیله دامنه عمل انقلاب نقصان می‌پذیرد." (دو تاکتیک سوسیال دموکراسی، ص 109 و 110)

لنین موضوع را می‌شکافد و می‌نویسد:

اینجاست اصل تمام مطلب، در حکومت موقت شرکت نباید کرد، زیرا این وضع بورژوازی را از انقلاب رم می‌دهد و بدین وسیله دامنه عمل انقلاب نقصان می‌پذیرد.

اینجاست که دیگر آن فلسفه نوایسکرای‌ها^۳ که می‌گویند چون انقلاب بورژوازیست به این جهت ما باید در مقابل رذائل بورژوازی سر تعظیم فرود آورده و از سر راهش کنار برویم، تماماً و بصورت ناب و پیگیر خود در مقابل ما متظاهر می‌گردند. اگر ما ولو در موارد جزئی و ولو برای یک دقیقه، از این نظر پیروی نمائیم که شرکت ما ممکن است بورژوازی را از انقلاب رم دهد در اینصورت سرکردگی را تماماً به طبقه بورژوازی واگذار خواهیم کرد. به این طریق پرولتاریا را کاملاً تحت قیمومت بورژوازی درآوریم (در حالی که کاملاً: "آزادی انتقاد" را حفظ کرده‌ایم!!) و پرولتاریا را مجبور می‌کنیم، معتدل و ملایم باشد تا مبدا بورژوازی رم کند. ما روی حیاتی‌ترین نیازمندی‌های پرولتاریا یعنی نیازمندی‌های سیاسی وی، که اکنون میست‌ها^۴ و مریدان آنها هیچگاه درست نمی‌فهمیدند سابه افکنیم و این کار را بدان سبب می‌کنیم که بورژوازی رم نکند. ما کاملاً از شیوه مبارزه انقلابی در راه عملی نمودن دموکراتیسم، در حدودی که مورد لزوم پرولتاریاست، عدول کرده و شیوه معامله با بورژوازی را در پیش می‌گیریم و به بهای خیانت به اصول و خیانت به انقلاب، موافقت داوطلبانه بورژوازی را خریداری می‌نمائیم ("برای اینکه رم نکند")، نوایسکرای‌های قفقاز توانسته‌اند تمام ماهیت تاکتیک خیانت به انقلاب و تبدیل پرولتاریا به زانده ناچیز طبقات بورژوازی را در دو سطر کوچک بیان نمایند." (همانجا ص 110)

لنین در همین جا تاکید می‌کند که "از دو حال خارج نیست، آقایان: یا ما باید علی‌رغم بورژوازی ناپیگیر و خودغرض و جبون به اتفاق مردم در راه عملی نمودن انقلاب کوشش نمائیم و به پیروزی کامل بر تزارسیم نائل آئیم، یا اینکه این "علی‌رغم" را مجاز ندانیم و بتدریس از اینکه مبدا بورژوازی "برمد" و آنوقت است که ما پرولتاریا و مردم را تسلیم بورژوازی، تسلیم بورژوازی ناپیگیر و خودغرض و جبون کردیم. (همانجا ص 113، 114)

خط مشی سیاسی حزب توده ایران درباره متحدین طبقه کارگر

در اینجا جا دارد درباره اتحاد کارگران و دهقانان و قشرهای توده‌های زحمتکش که در اسناد و احکام حزب ما ذکر شده است به متحدان طبقه کارگر، اشاره کنیم.

حزب توده ایران بعنوان حزب طبقه کارگر ایران در بررسی و تحلیل ترکیب و موضع متحدان طبقه کارگر در مبارزه برای دگرگونی‌های بنیادی در زندگی اجتماعی- اقتصادی کشور، با در نظر گرفتن پیوندهای عینی منافع طبقه کارگر با منافع توده‌های میلیونی شهر و روستا متحدان طبقه کارگر را مشخص کرده است. بر پایه پیوندهای منافع اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر با خواست‌های زحمتکشان است که در احکام و اسناد برنامه‌ای حزب توده ایران خاطر نشان می‌شود، قشرهای بینابینی جامعه در درجه اول دهقانان تهیدست و پیشه‌وران و کسبه خرده‌پا و روشنفکران زحمتکش در زمره متحدان طبقه کارگر قرار می‌گیرند.

امروز پس از گذشت سی سال از ناکامی انقلاب بهمن 57 به علت خیانت سران مرتجع رژیم و همدستان آنها به اهداف انقلاب ایران و تحمیل راه سرمایه‌داری وابسته زیر پوشش "اقتصاد اسلامی" به کشور ما، و بسط مناسبات سرمایه‌داری وابسته تحمیل شده به ایران و تشدید هر چه بیشتر وابستگی کشور ما به انحصارهای امپریالیستی، بیش از پیش جامعه ایران را به دو قطب متضاد تقسیم کرد. در یک قطب اقلیت ثروتمند و در قطب دیگر اکثریت محروم جامعه قرار دارد که در عمیقی این دو قطب را از هم جدا می‌کند. در حالی که رژیم حاکم سرنوشت کشور را تابع منافع کلان سرمایه‌داران بازار و تجار و بازرگانان میلیاردر و بزرگ زمین‌داران کرده است و ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر شده‌اند. طبیعی است که در شرایط رژیم "ولایت فقیه" نمی‌توان از عدالت اجتماعی سخن به میان آورد. در شرایط موجود خواست بنیادین عدالت اجتماعی، آزادی و دموکراسی و پایان دادن به فقر و بیکاری و گرانی و تامین زندگی بهتر در سرلوحه مبارزات توده‌های زحمتکش در جامعه ما قرار دارد. به همین سبب، در مبارزه برای آزادی‌های دموکراتیک و عدالت اجتماعی در کشور ما، توده‌های میلیونی کارگران، دهقانان، کسبه و پیشه‌وران و روشنفکران آزادیخواه که هوادار آزادی و دموکراسی و خواستار تامین عدالت اجتماعی هستند در یک سو و طبقات حاکمه بزرگ مالکان و زمین‌داران و تجار و سرمایه‌داران غارتگر و روحانیون حاکم و در راس آنها "ولی فقیه" رژیم با پشتیبانی ارگان‌های سرکوبگر و جاسوسی رژیم در سپاه پاسداران، بسیج و پلیس دادگستری که از منافع استثمارگران پاسداری می‌کنند، در سوی دیگر قرار گرفته‌اند. نیروهای ارتجاعی حاکم نمی‌توانند به علل عدیده به خواست اکثریت مطلق مردم میهن ما پاسخ گویند و زندگی کم و بیش مرفه‌ایی برای میلیون‌ها انسان فراهم آورند.

در شرایطی که رژیم حاکم کشور را دچار ورشکستگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ساخته است و در حال حاضر وضع زندگی توده‌های میلیونی مردم روز به روز بدتر می‌شود و رژیم حاکم قادر به تحقق خواستشان نیست. آنچه در شرایط کنونی ضرورت دارد مبارزه در راه خواست‌های عام دموکراتیک در پیوند با خواست‌های

کسی که به اهمیت نقش دهقانان در انقلاب پیروزمندان روس پی ببرد ممکن نیست بتواند بگوید در صورتیکه بورژوازی از انقلاب برمد دامنه انقلاب نقصان می‌پذیرد. زیرا در حقیقت فقط وقتی دامنه انقلاب روس واقعا رو بوسعت می‌گذارد، فقط وقتی این دامنه انقلاب واقعا از آنچه در عصر انقلاب بورژوا- دموکراتیک ممکن است وسیع‌تر خواهد بود که بورژوازی از آن برمد و توده دهقانان همدوش با پرولتاریا نقش یک انقلابی فعال را بعهده بگیرند. برای اینکه انقلاب دموکراتیک ما بتواند بطرز پیگیری به پایان خود برسد باید به نیروهایی اتکاء نماید که قادر باشند ناپیگیری اجتناب‌ناپذیر بورژوازی را فلج سازند (یعنی همانا قادر باشند آن را "وادار به رمیدن نمایند" همان چیزی که طرفداران قفقازی "ایسکرا" بعلت نابخردی از آن می‌ترسند). پرولتاریا باید انقلاب دموکراتیک را به آخر برساند بدین طریق که توده دهقان را بخود ملحق نماید تا بتواند نیروی مقاومت بورژوازی را جبراً درهم شکند و ناپیگیری دهقانان خرده‌بورژوازی را فلج سازد!

اینها هستند آن وظایف پرولتاریا که نوایسکرایها در تمام استدلال‌ها و قطعنامه‌های خویش درباره دامنه انقلاب با آن محدودیت از آن سخن می‌گویند. (همانجا، ص 118)

وقتی لنین با صراحت می‌گوید که پرولتاریا باید توده دهقان را از بورژوازی جدا کرده به سوی خود جلب کند. پرولتاریا باید برای پیروزی بر بورژوازی به دهقان کمک کند. وقتی لنین درباره خصوصیات بورژوازی می‌نویسد: "بورژوازی قادر نیست انقلاب دموکراتیک را به پایان برساند. ولی دهقانان استعداد این کار را دارند. ما باید با تمام قوای خود در راه حصول این مقصود به آنها کمک کنیم." تبلیغ ضد آن و سخن گفتن از اتحاد طبقه کارگر با لایه‌هایی از بورژوازی مهم‌یافی است.

چنانکه می‌بینیم نظر لنین درباره اتحاد طبقه کارگر با دهقانان در انقلاب دموکراتیک در جهت رشد و تبدیل انقلاب بورژوا- دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی، درست نقطه مقابل ادعای نویسنده نشریه "نامه مردم" است که بر خلاف نظر لنین اتحاد طبقه کارگر با لایه‌هایی از بورژوازی مکار و فریبکار را به دروغ به نام لنین می‌بندد.

در اینجا جعل و تحریف نظر لنین با استناد به کتاب دو تاکتیک سوسیال دموکراسی آشکار گردیده است. برای کسی که کتاب دو تاکتیک سوسیال دموکراسی اثر لنین را مطالعه کرده باشد. پی بردن به ماهیت این دو خط مشی یعنی مشی لیبرالی و مشی مارکسیستی در این کتاب دشوار نیست.

محل روشنفکری اپورتونیستی که این مهمات را زیر عنوان نشریه "نامه مردم" تبلیغ می‌کند. در واقع امر طرفدار نظام سرمایه‌داری هستند و به آن خدمت می‌کنند.

چنین است بطور خلاصه اندیشه و نظر لنین درباره اتحاد کارگران و دهقانان و همه زحمتکشان در اثر درخشان لنین دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک. و اما

فعالیت خرابکارانه سازشکاران زیر نام حزب علیه مبانی حزب توده ایران قادر به از بین بردن تاثیر اندیشه‌های سوسیالیسم علمی در ایران نمی‌باشد.

بدست منشویک‌ها افتاد و بر خلاف "ایسکرای" سابق لنین، "ایسکرای نو" نامیده شد.

4- اکونومیست‌ها: جریان اپورتونیستی بود که در میان بخشی از سوسیال دموکرات‌ها پیدا شد. اکونومیست‌ها مدعی بودند وظیفه جنبش کارگری فقط مبارزه اقتصادی در راه بهبود وضع کارگران در راه کاهش ساعت کار روزانه، مبارزه برای افزایش دستمزد و غیره است. اکونومیست‌ها مخالف تشکیل حزب مستقل سیاسی طبقه کارگر بودند.

توضیحی درباره غصب "نامه مردم"

درباره غصب "نامه مردم" این توضیح ضروری است که عناصر اپورتونیست و سازشکار، با شرکت در انتخابات رژیم و تبلیغ برای رای دادن به نمایندگان جریان بورژوایی اصلاح‌طلب بمنظور اتحاد با این نیروهای خیانتکار به انقلاب بهمین 57، در حین آنکه آنها عملاً با روش سازشکارانه خود از بهمین 1378 با رای دادن به کاندیدهای جبهه دوم خرداد شامل گروه‌های هیجده‌گانه اصلاح‌طلب در ششمین دوره مجلس رژیم که بطور آشکار برنامه و سیاست و مشی حزب را نفی می‌کردند. درون حزب اختلاف بر سر این گرایش راست‌روانه و نیز دنباله‌روی از بورژوازی میان اعضای حزب و نمایندگان خط مشی اپورتونیستی ظاهر گشت.

خاوری و همفکرانش اصلاح‌طلبان را خرده‌بورژوازی و از متحدان طبقه کارگر بشمار می‌آوردند و ماهیت بورژوایی آنان را درک نمی‌کردند. در رابطه با اختلاف میان اعضای حزب و سازشکاران بر سر نظریات راست‌روانه، در پلنوم مرداد سال 1386 برای حل این مسئله تشکیل کنگره حزب تصویب گردید و 6 نفر از اعضای کمیته مرکزی را برای تدارک برگزاری و تشکیل ششمین کنگره تعیین نمود. اما سازشکاران و اپورتونیست‌ها بسرکردگی خاوری با شیوه‌های توطئه‌گرانه از برگزاری کنگره امتناع کردند و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری رژیم در 1388 پلنوم وسیع خود را بجای کنگره با شرکت عده‌ای افراد دستچین شده تشکیل دادند. تا از این طریق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری رژیم را قانونی وانمود سازند. آنها سپس میرحسین موسوی و مهدی کروبی را با وجودی که به آرمان انقلاب بهمین 57 خیانت کرده بودند به عنوان کاندیدهای نامزد ریاست جمهوری رژیم اعلام کردند. با این شیوه "نامه مردم" ارگان مرکزی بدست آنها افتاد و خط مشی اپورتونیستی را در "نامه مردم" پیش گرفتند و به تبلیغ نظریات مخالف برنامه و مشی حزب ادامه دادند. و کار به آنجا رسید که "نامه مردم" بصورت نشریه‌ای هوادار بورژوازی تئوری و پراتیک مارکسیسم لنینیسم را جعل و مخدوش می‌کند. رفیق احسان طبری در شعر "آن جاودان" با اشاره به حیل‌گری و خیانت عناصر ناپایدار می‌گوید: "طریق رزم ناهموار، خدارند همراهمان" که در واقع بیانگر عملکرد عناصر فرصت‌طلب زیر نام حزب می‌باشد.

باید گفت پس از اجرای نقشه توطئه‌گرانه تشکیل پلنوم وسیع که در عمل به اپورتونیسم در عرصه تشکیلاتی انجامید. سازمان حزب در کل منحل شد تا عناصر راست و دنباله‌رو بورژوازی حزب را به یک سازمان سازشکار رفرمیست بدل کنند. در برابر این شیوه عمل توطئه‌گرانه و بی‌پرنسیبی سازشکاران، اعضای حزب با احساس مسئولیت در قبال اندیشه حزب و مبانی حزبیت برای ادامه فعالیت

کارگران و زحمتکشان بقصد جلب هر چه بیشتر طبقات و اقشار زحمتکش جامعه به مبارزه علیه رژیم استبدادی مذهبی حاکم است.

بنابراین برای حل مشکلات عظیم کنونی که در برابر جامعه قرار دارد. شرکت توده‌ها در جنبش ضد رژیم در راه پایان دادن به رژیم "ولایت فقیه" بمثابة عامل سد راه رشد نیروهای مولد که در تضاد با رشد اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است، اهمیت ویژه‌ای کسب می‌کند.

تا زمانی که سیطره "ولایت فقیه" بر کشور حاکم است مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را نمی‌توان حل کرد. همچنین در شرایط رژیم "ولایت فقیه" نمی‌توان وضع زندگی کارگران و زحمتکشان را بهبود بخشید و حقوق اجتماعی و آزادی‌های سیاسی و صنفی آنان را تامین کرد.

در شرایط کنونی اتحاد نیروهای سیاسی دموکراتیک برای گسترش هر چه بیشتر طیف نیروهای محرکه جنبش ضد رژیم در راه براندازی حاکمیت روحانیون و طبقات غارتگر کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمین‌داران اهمیت حیاتی دارد. در حال حاضر ما شاهد فروریزی نظام اقتصادی رژیم "ولایت فقیه" هستیم. تردیدی نمی‌توان داشت که در آینده هم این روند هر روز با شدتی بیشتر و دامنه‌ای پهناورتر ادامه خواهد داشت. باید گفت جلوگیری از فروریزی نظام اقتصادی رژیم توسط جبهه نیروهای غارتگر و ضد انقلاب داخلی اصلاح‌طلب و کارگزار در خط اعتدال بسرکردگی رفسنجانی که هدف عمده‌اش تثبیت و تحکیم رژیم حاکم و ادامه حاکمیت روحانیت و "ولایت فقیه" بر اریکه قدرت در میهن ما است، در شرایط ادامه تحریم و فروریزی اقتصاد رژیم قادر به نجات رژیم در حال مرگ نخواهد بود.

حزب ما مبارزه در راه طرد رژیم "ولایت فقیه" برای تامین آزادی‌های دموکراتیک و دستیابی به عدالت اجتماعی، مبارزه در راه دفاع از استقلال ملی ایران و رهایی از وابستگی اقتصادی و سیاسی نواستعماری امپریالیسم و مبارزه علیه کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان بمثابة پایگاه امپریالیسم در ایران و دفاع از منافع خلق و مصالح عالی کشور که از وظایف انقلابی حزب توده ایران است. با پی‌گیری ادامه می‌دهد. براین اساس، در این پیکار بزرگ توده‌ها علیه طبقات غارتگر و ارتجاع حاکم که برای تامین عدالت اجتماعی دامنه گسترده‌تری می‌یابد، حزب توده ایران در کنار این مردم زحمتکش است.

توضیحات:

1- گوبلز وزیر تبلیغات رژیم آلمان هیتلری بود. او می‌گفت دروغ هر چه بزرگتر، باورش آسانتر.

2- ما در زیر این نوشته درباره غصب "نامه مردم" توضیح می‌دهیم.

3- "ایسکرا" نخستین روزنامه غیرعلنی مارکسیستی سراسر روسیه بود که لنین در سال 1900 در خارج روسیه تاسیس نمود. پس از آنکه در کنگره دوم حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه در 1903، حزب به بلشویک‌ها و منشویک‌ها منشعب گردید. روزنامه "ایسکرا"

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران انتشار "مردم" را بحکم ضرورت زمان از اهم وظایف حزبی و انقلابی خویش شمرده و با انتشار دوره جدید "مردم" برای دفاع از اصول اساسی حزب طبقه کارگر و دفاع از ایدئولوژی و مشی انقلابی حزب، پرچم حزب را برافراشته نگاه داشتند و تلاش اپورتونیست‌ها و سازشکاران را که می‌خواستند خود را حزب توده ایران جلوه دهند افشا کرده و زیانهای را که این محفل روشنفکری اپورتونیستی تحت نام حزب و "نامه مردم" برای جنبش کارگری و انقلابی میهن ما داشت برملا ساخت.

باید خاطر نشان کرد این محفل روشنفکری اپورتونیستی از برنامه ماجراجویانه هسته‌ای رژیم جانبداری می‌کرد و بدین منظور در نشریه "نامه مردم" درباره برنامه هسته‌ای رژیم قلمفرسایی کرده است. از جمله این محفل در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری رژیم در سال 1388 - با سوءاستفاده از نام حزب توده ایران با عمال امپریالیسم در شورای پارلمان اتحادیه اروپا درباره حمایت و شرکت در انتخابات ریاست جمهوری رژیم، دیدار و مذاکره کرده است. و ما در اینجا در برابر عمل آنها به این موضوع اشاره می‌کنیم.

علیرغم توطئه‌های عناصر اپورتونیست و سازشکار برای تغییر مسیر حزب، حزب ما توانست با تلاش فداکارانه افراد حزب به فعالیت خود و انتشار "مردم" برای نشر نظریات حزب در جامعه ایران ادامه دهد.

پس از آنکه عناصر اپورتونیست و سازشکار از جمله خاوری و همفکرانش برنامه و مشی حزب را زیر پا گذاشتند و به دنبال جریان بورژوایی اصلاح‌طلب به قصد اتحاد با آنها افتادند و کوشیدند سیاست بورژوایی را مسلط بر حزب سازند با این حال آنها که عدم توافق خود را با برنامه و مشی حزب ابراز کردند و می‌خواستند حزب را از مسیر اصلیش دور کنند نمی‌توانند تابع و مجری ایدئولوژی و مشی سیاسی حزب توده ایران باشند. طبیعی است که عقاید و نظریات آنها جدا از اصول ایدئولوژیک و مشی سیاسی و برنامه حزب توده ایران است و فعالیت آنها زیر نام حزب توده ایران و نشریه "نامه مردم" به دلیل خط مشی اپورتونیستی آن که در نقطه مقابل برنامه و مشی سیاسی حزب ما می‌باشد. اعتبار و قانونیت ندارد و نمی‌توان به عنوان سیاست و مواضع حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران محسوب شود.

اینک ماهیت این محفل روشنفکری اپورتونیستی مدعی حزب توده ایران در عمل برای همه آشکار شده است. با توجه به فعالیت حزب ما در زمینه وظایف تبلیغی و ترویجی چه از لحاظ انتشار مطالب سیاسی و افشاگرانه چه از لحاظ ارزیابی و موضع‌گیری‌ها نسبت به مبارزه در راه آزادی و دموکراسی و طرد رژیم "ولایت فقیه" که در انتشارات "مردم" منعکس است و سیاست و روش حزب را روشن می‌نماید. می‌توان ماهیت حزب ما و آنچه مبارزان توده‌ای در این دوران از زندگی حزب توده ایران برای حفظ ایدئولوژی و مشی اصولی حزب انجام داده و می‌دهند را شناخت و به ادامه دهندگان مشی حزب و ایدئولوژی آن از صمیم قلب شادباش گفت.

رفقا و دوستان گرامی!

"مردم" زبان بی بند توده‌ها را در کشور پخش نمایند.
پخش و تکثیر "مردم" در ایران یک وظیفه انقلابی است.